



تحلیل مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان شیروان)

مریم زیارتی^۱، جعفر یعقوبی^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، ^۲دانشیار دانشگاه زنجان

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و تحلیل مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق توصیفی-همبستگی را ۳۲۸۷ نفر از زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان شیروان تشکیل دادند که ۱۲۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که روایی آن با استفاده از پانل اعضای هیئت علمی و پس از انجام اصلاحات مورد نظر آنها تایید شد. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آزمون راهنما و محاسبه ضریب کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بخش مشکلات ۰/۸۰ بدست آمد. نتایج نشان داد مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی به ترتیب اهمیت بر اساس ضریب تغییرات عبارت‌اند از: مشکل تامین مخارج زندگی روزمره، نداشتن بیمه بازنشستگی، نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، عدم برخورداری از وام به علت نداشتن سند مالکیت زمین یا خانه و سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیتهای اقتصادی زنان. هم‌چنین نتایج آزمون من وایتنی نشان داد که مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی با سواد در زمینه نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیتهای اقتصادی، عدم امنیت اجتماعی برای زنان در برخی از مشاغل و توجه به شائبه‌های اخلاقی زنان سرپرست خانوار جهت شاغل شدن به طور معنی‌داری بیشتر از زنان کم‌سواد بود.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، توانمندسازی، اشتغال، معیشت پایدار

مقدمه

با وجود فرصت‌های اجتماعی برابر یا نابرابری که جوامع مختلف برای رشد و ارتقای هر یک از اعضای خود فراهم می‌کنند، همواره و در تمام جوامع بشری قشربندی اجتماعی، گروه‌ها و اقشاری یافت می‌شود که توانایی اداره کردن زندگی خود و تهیه امکانات حداقل برای زندگی را ندارند. چنین افرادی را می‌توان ذیل عنوان کلی اقشار آسیب‌پذیر گرد آورد (شبانعلی‌فمی و همکاران، ۱۳۸۸). زنان سرپرست خانوار جزء اقشار آسیب‌پذیر هستند. آن‌ها گروهی هستند که به دلایل مختلف مانند فوت، طلاق، اعتیاد، ازکارافتادگی، زندانی شدن همسر، رها شدن توسط مردان مهاجر و بی‌مسئولیت، سرپرستی خانوار را به عهده گرفته‌اند (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۰). دلایل زیادی وجود دارد که بتوان زنان بی‌سرپرستی را که به ناچار سرپرستی خانوار خود را بر عهده دارند، جزء اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفت، از جمله این دلایل می‌توان به فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب این زنان و خانوارهای تحت پوشش



آنان و سایر مشکلات متعددی اشاره کرد که آنان را در مواجهه با دنیای واقعی تهدید می کند (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶). علاوه بر زنان سرپرست خانوار فرزندان آن ها نیز از آسیب پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی می باشند و عمدتاً یکی از علایم بیماری های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آن ها دیده می شود (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸) همواره مشکل فقر در خانوارهای زن سرپرست، بیش تر از خانوارهای با سرپرست مرد بوده است. عامل فقر اقتصادی، تاثیر مستقیم و غیر مستقیم خود را بر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و همین طور وضعیت اکولوژیکی خانواده بر جای می گذارد (پشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). این زنان، زمان بیشتری را صرف کار می کنند چنین امری موجب فقر زمانی و بی توجهی به جنبه های فرهنگی، آموزشی و تربیتی خود و فرزندان می شود. فرزندان این خانواده ها در معرض مسائلی مانند کار کودکان در مشاغل سیاه و غیر رسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه قرار دارند (پشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). بدین ترتیب زنان سرپرست خانواده نسبت به مردان سرپرست خانواده به دلیل داشتن چند نقش مختلف به طور هم زمان مانند اداره امور خانه و تربیت و مراقبت از فرزندان به تنهایی و کار در خارج از خانه با دستمزد کم تر، فشار و مسائل روانی بیشتری را تجربه می کنند (خسروی، ۱۳۸۰) و در مقابل از کیفیت زندگی پایین تری برخوردار هستند. همچنین تعداد نقش هایی که زنان سرپرست خانوار بر عهده می گیرند تاثیر مستقیمی بر ایجاد فشارهای عصبی، تشدید اختلالات روانی و بروز بیماری های جسمی دارد (کاظمی پور، ۱۳۸۸). سرپرستی فرزندان به تنهایی و گاه به سختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در فقدان همسران شان، زنان سرپرست خانوار را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده ای روبه رو می کند (نازکتبار و ویسی، ۱۳۸۷). بر اساس گزارش سازمان بهزیستی، افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار نگران کننده است (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۰). در این بین زنان روستایی، با وجود این که در حدود نیمی از جمعیت این بخش را تشکیل می دهند و نقش پر رنگ آن ها در فعالیتهای مختلف تولیدی و اقتصادی بر هیچ کس پوشیده نیست، اما با توجه به فقر نسبی این مناطق و مسایلی از قبیل تعصبات خانوادگی، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند و هرگز به حق واقعی خود نرسیده اند. (شبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۸). اشتغال زنان برای کاهش فقر و بهبود وضعیت آنان بسیار مهم است. از طرفی اقتصاد روستایی تا حد زیادی در طول سال راکد است و فرصت های اشتغال در آن رشد نکرده است در نتیجه زنان قادر به گرفتن کار تنها چند ماه در سال هستند و این وضعیت آن ها را وابسته به کمک مالی نگه می دارد (Srivastava & Srivastava, 2009). با همه این تفاسیر، طبیعی است که زنان سرپرست خانوار در روستاها از وضعیت وخیم تری نسبت به هم تایان خود در شهرها برخوردار باشند و با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم کنند (شبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۸). زنان مسئول اصلی تغییر کمیت و کیفیت منابع انسانی موجود در



یک کشور برای ترویج توسعه پایدار برای نسل‌های آینده هستند و توانمندسازی زنان نه تنها برای اطمینان از سلامت و رفاه خود آنان بلکه برای رفاه تمام افراد خانواده ضروری است (Gupta & Yesudian, 2006).

معدفر و حمیدی (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که مسیله اقتصادی مهم‌ترین مسیله‌ای است که زنان سرپرست خانوار در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند محروم بودن زنان سرپرست خانوار از حقوق مسلمی مانند ازدواج، وابسته شدن آنها به فرزندان، وجود بیماری‌هایی مانند افسردگی، وسواس، اضطراب، پرخاشگری در آنها، مشکل داشتن با خانواده همسر از دیگر مشکلات این گروه از زنان بود هم‌چنین به دلیل تجارب اجتماعی کمی که زنان سرپرست خانوار از فضای جامعه دارند استقلال و آزادی کمتری برای فرزندان خود قایل می‌شوند و معمولاً فرزندان آنها دارای اعتماد به نفس کم‌تر و ترس بیشتری از فضای اجتماعی هستند از سوی دیگر در پژوهش قاسمی و خانی (۱۳۸۸) در تحقیقی دیگر بیشترین مشکلات زنان سرپرست خانوار را: ضعف اقتصادی، نبود شغل مناسب، عدم ثبات شغلی، نداشتن بیمه، هم‌چنین عدم حمایت از طرف نهادهای دولتی و غیردولتی، ترس از آینده‌ی کاری و شغلی، نداشتن مهارت‌های خاص مثل مهارت‌های حل مسئله، کنترل خشم و ارتباط با دیگران، مشکلات تربیتی فرزندان، اختلال در روابط اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی، عدم تعامل سالم با فرزندان، ترس از تنهایی، استرس، افسردگی و خلأ عاطفی اعلام کردند. نازکبار و ویسی (۱۳۸۷) در تحقیقی که در استان مازندران انجام دادند نتیجه گرفتند که مولفه‌های وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، وضعیت اقتصادی (اشتغال)، عامل خودباوری-خوداتکایی (کارآفرینی)، عامل وضعیت رفاهی از جمله مولفه‌های تاثیرگذار بر وضعیت زنان سرپرست خانوار هستند که به عنوان مسایل و مشکلات عمده زنان سرپرست خانوار در پژوهش فوق شناسایی شده‌اند. قشقایی و همکاران (۱۳۹۰) مهم‌ترین آسیب‌های فردی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار را: احساس نداشتن پشتوانه‌های اقتصادی و اجتماعی، نابه‌سامانی روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری، احساس ناکامی در برابر باورهای سنتی جامعه، عدم آگاهی نسبت به اداره امور اقتصادی خانواده، نگرانی از آینده فرزندان، تعدد و تعارض نقش در خانه و بیرون از خانه، گرایش به مشاغل بازار سیاه بر در کنترل فرزندان، احساس تنهایی، مشاغل سطح پایین، کمبود امکان ارتقای شغلی، کمبود حقوق و دستمزد دریافتی در مقایسه با مردان برشمردند هم‌چنین نوع برخوردهای بدبینانه اجتماعی در محیط همسایگی، سوء استفاده اخلاقی برخی از افراد سود جو، نبود متولی مشخص در جامعه برای رسیدگی و نظارت بر وضعیت این زنان، کلیشه‌های جنسیتی در ارتباط با نقش‌پذیری زنان در جامعه، پایین بودن میزان اعتماد برای مشارکت زنان، کمبود یا نبود برنامه‌های ترویجی برای زنان سرپرست خانوار در محیط بیرون از خانه، نبود برنامه‌های آموزشی به منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به ویژه در روستاها و وجود تفکرات پدرسالارانه به ویژه در زمینه‌های نظارتی و کنترلی در محیط‌های خانواده از جانب پدربزرگ، عمو و ... را از آسیب‌های فراروی زنان سرپرست خانوار بر جنبه‌های ارتباطی و فراغتی فرزندانشان برشمردند.

خسروی (۱۳۸۰) در پژوهش بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانواده نشان داد که مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده، شامل مشکلات اقتصادی، عدم آمادگی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی، نگرش منفی نسبت به زن سرپرست خانواده، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و تعدد و تعارض نقش است از سوی دیگر بختیاری و محبی (۱۳۸۵) درآمد پایین و فقر، ایفای نقش‌های چندگانه و متعارض، فقدان حمایت اجتماعی و نگرش منفی نسبت به زنان سرپرست خانوار، احساس تنهایی، نبود فرصت برای رسیدگی به مسائل تحصیلی فرزندان، احساس ناتوانی در برآوردن خواسته‌های فرزندان، فقدان شغل و درآمد کافی، کمبود تجربه و افسردگی را مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار دانستند.



هدف از این پژوهش شناسایی مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی می‌باشد که این امر می‌تواند نقش اساسی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی داشته باشد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی از نظر امکان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی و از نظر هدف از نوع کاربردی به شمار می‌آید. هم‌چنین از نظر روش گردآوری داده‌های مورد نیاز از نوع تحقیقات میدانی است. جامعه آماری تحقیق کلیه زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان شیروان است که تعداد کل آنها ۳۲۸۷ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۲۰ نفر برآورد گردید. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه بود که روایی آن با استفاده از پانل اعضای هیئت علمی و پس از انجام اصلاحات مورد نظر آنها تایید شد. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آزمون راهنما و محاسبه ضریب کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بخش مشکلات ۰/۸۰ بدست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS پردازش و تحلیل شد.

یافته‌ها

میانگین سن زنان سرپرست خانوار جامعه مورد نظر ۳۹/۹۸ با انحراف معیار ۱۰/۴۰ سال بود. که ۴۴/۲ درصد از پاسخگویان بین ۱۷ تا ۳۷ سال سن داشتند و ۵۵/۸ درصد از پاسخگویان سن بالاتر از ۳۷ سال داشتند. میانگین سابقه سرپرستی خانوار زنان مورد بررسی، ۸/۵۹ با انحراف معیار ۷/۲۷ سال بود. ۴۹/۲ درصد پاسخگویان کمتر از ۶ سال سابقه سرپرستی داشتند و بقیه یعنی ۵۰/۸ درصد بالای ۶ سال سابقه سرپرستی داشتند. میانگین بعد خانوار زنان مورد بررسی ۲/۹۳ با انحراف معیار ۱/۵۰ نفر بود. ۴۰ درصد از پاسخگویان کم‌تر از ۲ نفر را تحت سرپرستی داشتند و بقیه یعنی ۶۰ درصد بالای ۲ نفر را تحت سرپرستی داشتند. میانگین سواد زنان سرپرست خانوار جامعه مورد نظر ۵/۰۱ کلاس با انحراف معیار ۳/۶۹ کلاس بود. ۲۰ درصد از پاسخگویان بی-سواد بودند، ۴۵/۸ درصد از پاسخگویان تحصیلات ابتدایی داشتند، ۳۲/۵ درصد از پاسخگویان تحصیلات راهنمایی و دبیرستان داشتند و ۱/۷ درصد تحصیلات بالای دیپلم داشتند. همان طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد ۴۰/۸ درصد از زنان سرپرست خانوار به علت فوت همسر، ۱۳/۳ درصد به علت طلاق، ۸/۳ به علت مریضی همسر، ۵/۸ درصد به علت از کارافتادگی همسر و ۳۱/۷ درصد به دلایل دیگر سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی زنان سرپرست خانوار بر پایه علت سرپرستی

درصد فراوانی	فراوانی	علت سرپرستی
۴۰/۸	۴۹	فوت همسر
۱۳/۳	۱۶	طلاق
۸/۳	۱۰	مریضی
۵/۸	۷	از کار افتادگی
۳۱/۷	۳۸	سایر (اعتیاد، ترک همسر، دختر خودسرپرست و ..)

مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی از طریق ۲۹ گویه با استفاده از طیف ۵ قسمتی لیکرت سنجیده شد. نتایج در جدول ۴-۲۸



آمده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی

مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
تامین مخارج زندگی روز مره (هزینه تحصیل و خوراک و...)	۴.۶۷۵	۰.۵۵۲	۰.۱۱۸
نداشتن بیمه بازنشستگی	۴.۶۵۸	۰.۶۵۴	۰.۱۴
نداشتن پول و سرمایه برای راه اندازی کسب و کار	۴.۶۴۱	۰.۶۷۱	۰.۱۴۴
عدم برخورداری زنان از وام به علت نداشتن سند مالکیت زمین یا خانه	۴.۶۱۶	۰.۷۱۲	۰.۱۵۴
سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیتهای اقتصادی زنان	۴.۶۰۸	۰.۷۴۸	۰.۱۶۲
نداشتن شغل مناسب	۴.۵۵۸	۰.۷۴۲	۰.۱۶۲
داشتن استرس های گوناگون در زندگی	۴.۵۵۸	۰.۵۹۱	۰.۱۲۹
داشتن مسئولیت های گوناگون در خانواده	۴.۵۳۳	۰.۶۰۷	۰.۱۳۳
نبودن برابری در فرصت های اقتصادی بین مردان و زنان	۴.۴	۰.۶۵۳	۰.۱۴۸
نداشتن مهارت های فنی و حرفه ای جهت راه اندازی کسب و کار	۴.۳۲۵	۱.۰۲۲	۰.۲۳۶
آسیب های جسمی ناشی از کار	۴.۳۲۵	۰.۹۹۷	۰.۲۳
مشکل تامین مسکن مناسب	۴.۲۷۵	۰.۹۵۲	۰.۲۲۲
توجه به شائبه های اخلاقی زنان سرپرست خانوار جهت شاغل شدن	۴.۱۵	۱.۱۷۸	۰.۲۸۴
حمایت اندک نهادهای دولتی و غیردولتی از زنان سرپرست خانوار	۴.۱۱۷	۱.۰۷۸	۰.۲۶۲
مشکل بودن تربیت فرزندان	۴.۰۵۹	۱.۱۳۹	۰.۲۸
وجود واسطه ها و دلالان در بازار	۴.۰۴۳	۱.۰۰۸	۰.۲۴۹
داشتن حالت افسردگی	۴.۰۴۱	۱.۰۴۸	۰.۲۵۹
داشتن کمبود عاطفه	۴.۰۳۳	۱.۲۰۶	۰.۲۹۹
وجود فرهنگ مردسالاری در محیط کار	۳.۸۲۵	۰.۹۲۲	۰.۲۴۱
ترس داشتن از تنهایی	۳.۸	۱.۳۶۳	۰.۳۵۹
مورد حمایت قرار نگرفتن زنان از طرف خانواده	۳.۷۵۸	۱.۲۲۹	۰.۳۲۷
عدم امنیت اجتماعی برای زنان در برخی از مشاغل	۳.۶۱۳	۱.۰۸۲	۰.۲۹۹
احساس ترحم جامعه نسبت به زنان سرپرست خانوار	۳.۴۰۷	۱.۳۷۳	۰.۴۰۳
ناامنی اجتماعی (نگاه مسموم و مخرب به زن، تقاضای صیغه شدن و ...)	۳.۳۲۴	۱.۴۶	۰.۴۳۹
مشکلات ارث بعد از فوت همسر	۳.۱۱۹	۱.۲۵۱	۰.۴۰۱
ایجاد مشکل توسط مردان فامیل (برادر یا پدر فرد) برای اشتغال زنان	۲.۷۹۲	۱.۴۴۸	۰.۵۱۹
مزاحمت های فامیل همسر	۲.۵۷۷	۱.۴۲۷	۰.۵۵۴
عدم رضایت خانواده همسر به اشتغال زنان	۲.۳۰۱	۱.۳۴۶	۰.۵۸۴
مزاحمت های همسر قبلی (در صورت طلاق)	۲.۲	۱.۴۱۴	۰.۶۴۳

همان طور که نتایج جدول ۲ نشان می دهد همه مشکلات مورد بررسی غیر از ۴ مورد میانگین بالای ۳ کسب کردند که نشان دهنده اهمیت این مشکلات در حد متوسط به بالا از دیدگان زنان مورد بررسی بود. تامین مخارج زندگی روز مره (هزینه تحصیل و خوراک و...)، نداشتن بیمه بازنشستگی ، نداشتن پول و سرمایه برای راه اندازی کسب و کار، عدم برخورداری زنان از وام به علت نداشتن سند مالکیت زمین یا خانه و سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیتهای اقتصادی زنان مهمترین مشکلات از دید پاسخگویان بودند. ایجاد مشکل توسط مردان فامیل (برادر یا پدر فرد) برای اشتغال زنان ،مزاحمت همسر قبلی (در صورت طلاق) و عدم رضایت خانواده همسر به اشتغال زنان میانگین کم تر از ۳ را به خود اختصاص دادند.



برای تعیین رابطه بین سواد و شدت مشکلات زنان سرپرست خانوار از آزمون من‌ویت‌نی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۳ آمده است همان‌طور که نتایج نشان جدول ۳ نشان داد مشکلات زنان سرپرست خانوار روستایی با سواد در زمینه نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیتهای اقتصادی، عدم امنیت اجتماعی برای زنان در برخی از مشاغل و توجه به شائبه‌های اخلاقی زنان سرپرست خانوار جهت شاغل شدن به طور معنی‌داری بیشتر از زنان کم‌سواد بود در واقع مشکلات فوق برای زنان با سواد بیش‌تر از زنان کم‌سواد مطرح بود. در بقیه مشکلات تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های مورد مقایسه مشاهده نشد.



جدول ۳- نتایج مقایسه مشکلات زنان سرپرست خانوار با سواد پایین و بالا

مشکلات	میانگین رتبه‌ای زنان باسواد	میانگین رتبه ای زنان کم سواد	U	سطح معنی داری
نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار	۷۱.۳۷	۵۴.۸۶	۱۱۷۴	۰.۰۰۲
سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیت‌های اقتصادی زنان	۶۷.۳۴	۵۶.۹۵	۱۳۳۹	۰.۰۴۷
عدم امنیت اجتماعی برای زنان در برخی از مشاغل	۶۹.۰۱	۵۶.۰۸	۱۲۲۷.۵	۰.۰۴۴
توجه به شائبه های اخلاقی زنان سرپرست خانوار جهت شاغل شدن	۶۹.۴۵	۵۵.۸۵	۱۲۵۲.۵	۰.۰۲۶

بحث

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تامین مخارج زندگی روز مره (هزینه تحصیل و خوراک و...)، نداشتن بیمه بازنشستگی ، نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، عدم برخورداری زنان از وام به علت نداشتن سند مالکیت زمین یا خانه و سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین مشکلات از دید پاسخگویان بود. قاسمی و خانی(۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود ضعف اقتصادی و نداشتن بیمه را از مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار دانستند. با توجه به این یافته پیشنهاد می‌شود که بیشتر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی قرار بگیرند و ماهیانه مستمری، کمک‌ها و وام‌های بلاعوض و سبد کالای رایگان در جهت حمایت از تامین هزینه‌های زندگی در اختیار آنان قرار گیرد همچنین توسط طرح ایتم فرزندان زنان سرپرست خانواده در جهت تامین هزینه‌های تحصیل تحت پوشش قرار گیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود شرایط تحت پوشش قرار گرفتن بیمه برای زنان سرپرست خانوار نسبت به سایر اقشار آسان‌تر گرفته شود و اعتباراتی جهت انجام این امر تخصیص داده شود. شاهنده و همکاران (۱۳۸۴) نیز در تحقیق خود نشان دادند بیمه یکی از بزرگترین دغدغه زنان سرپرست خانوار بود.

بعد از مشکلات فوق، نداشتن شغل مناسب نیز یکی دیگر از مشکلات زنان سرپرست خانوار بود. قاسمی و خانی(۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود نداشتن شغل مناسب را از مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار دانستند. با توجه به این یافته پیشنهاد می‌شود که دولت با کمک سایر نهادهای حمایتی وام‌های کم‌بهره بدون نیاز به ضامن و وثیقه و همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای را در جهت حمایت از اشتغال زنان مد نظر قرار دهد همچنین این یافته با نتایج تحقیق مقدس جعفری و محمدی (۱۳۸۵)، بختیاری و محبی (۱۳۸۵) و نازکتبار و ویسی (۱۳۸۷) نیز همسویی دارد.

همچنین یافته‌های دیگر تحقیق حاکی از آن بود که زنان سرپرست خانوار روستایی با سواد در زمینه نداشتن پول و سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، سختی پیدا کردن ضامن یا وثیقه برای فعالیت‌های اقتصادی ، عدم امنیت اجتماعی برای زنان در برخی از مشاغل و توجه به شائبه های اخلاقی زنان سرپرست خانوار جهت شاغل شدن به طور معنی‌داری بیشتر از زنان کم‌سواد بود. بختیاری و محبی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود نگرش منفی نسبت به زنان سرپرست خانواده را از مهم‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار دانستند. با توجه به این یافته ایجاد مراکز مشاوره‌ای رایگان برای مشاوره زنان سرپرست خانوار جهت دادن روحیه و ایجاد اعتماد به نفس در زنان سرپرست خانوار پیشنهاد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در جامعه ایجاد همدلی و حمایت از زنان سرپرست خانواده فرهنگ‌سازی می‌شود.

منابع



۱. بختیاری، آمنه و محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۵). حکومت و زنان سرپرست خانوار. مجله مطالعات راهبردی زنان. ۳۴، ۶۷-۱۱۰.
۲. پیشگاهی فرد، زهرا؛ تجلی اردکانی، فاطمه و کاظمیان امیری، مریم (۱۳۸۸). طراحی و آزمون روش های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (نمونه مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر اراک). دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار. ۸۹-۱۱۱.
۳. خسروی، زهره (۱۳۸۰). بررسی آسیب های روانی- اجتماعی زنان سرپرست خانواده. فصلنامه علمی پژوهشی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا. ۱۱، ۳۹، ۷۱-۹۳.
۴. شبانعلی فمی، حسین؛ قاسمی، جواد؛ چوپچیان، شهلا و فیض الله زاده، سولماز (۱۳۸۸). امرار معاش پایدار، رویکردی نوین در فقر زدایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار. ۳۴۱-۳۶۵.
۵. غفاری، غلامرضا؛ دارابی، حسین و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸). مروری بر شاخص های توانمندسازی با تاکید بر زنان سرپرست خانوار. دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار. ۳۴۰-۳۱۹.
۶. قاسمی، سمیه و خانی، فضیله (۱۳۸۸). تحلیلی بر مسایل و نیازهای زنان سرپرست خانوار جهت توانمندسازی آنان (مطالعه موردی شهر تهران). دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار. ۳۶۷-۳۹۰.
۷. قشقایی، غلامحسین؛ شفیع آبادی، عبدالله و ثنایی، باقر (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی مشاوره گروهی بر اساس دو رویکرد واقعیت درمانی و فمینیستی بر تغییر هویت و عزت نفس زنان سرپرست خانوار. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده. ۱۸، ۶.
۸. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرصت های اشتغال زنان سرپرست خانوار. دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار. ۴۲۶-۴۰۳.
۹. معیدفر، سعید و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار: نکته ها و آسیب های اجتماعی. پژوهش نامه علوم اجتماعی. ۱۵۸، ۳۲-۱۳۱.
۱۰. نازک تبار، حسین و ویسی، رضا (۱۳۸۷). وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۷، ۲۷، ۱۱۳-۹۵.

11. Gupta ,Kamal. and Yesudian, P.Princy.(2006). Evidence of women's empowerment in India: a study of socio-spatial disparities.GeoJournal. 65, 365-380.
12. Srivastava, Nisha. And srivastava ,Ravi.(2009). Women, work, and employment outcomes in rural India.



Analyzing Problems of Rural Female-Headed Households (Case study: Shirvan)

Maryam Ziyarati^{*1}, Jafar Yaghoubi²

¹ Graduate student, University of Zanjan, Iran, ² Associate professor, University of Zanjan, Iran

Abstract

Lack of attention to solving the problems of rural female-headed households cans irreparable damage to the society. The purpose of this study was identifying problems of rural female-headed households in Shirvan, North Khorasan Province, Iran. Female-headed households in Shirvan (N=3287) formed the population of this descriptive - correlation study. The sample size determined using Cochran's formula (n=120) and two-stage cluster sampling method used for selecting samples.). The validity of the questionnaire was approved by a panel of academic experts. Pre-test and calculating Cronbach's alpha coefficients were used to measure the reliability (0.80). The results showed that the main problems of rural female-headed households based on the coefficient of variation (C.V) were as follows: financing problems of daily life, lack of pension insurance, lack of money and capital for start-up business, inability to obtain bank credits due to lack land or house ownership documents and difficulty in finding a guarantor or collateral for economic activities of rural women. The results U test showed that the problems of illiterate women are significantly more than literate women.

Key Words: Rural women, empowerment, employment, sustainable livelihoods